

تفاوت‌های جنسیتی در مدل ساختاری شخصیت مرزی، راهبردهای تنظیم هیجانی و خشونت خانگی

رویا آفتاب^۱، احمد کربلایی محمد میگونی^۲
و صادق تقی‌لو^۳

در مدل آبشار هیجانی، افراد دارای شخصیت مرزی برای اجتناب از راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه به برون‌ریزی خشونت نسبت به همسر خود مبادرت می‌کنند. با این حال تفاوت‌های جنسیتی در این مدل نادیده گرفته شده است. هدف پژوهش حاضر، تعیین تفاوت‌های جنسیتی در مدل ساختاری پژوهش بود که در آن شخصیت مرزی و راهبردهای تنظیم هیجانی نشخوار فکری و سرکوب فکر در قالب یک مدل، خشونت خانگی را پیش‌بینی می‌کند. بدین منظور طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، ۳۱۱ دانشجوی متاهل انتخاب و از نظر تاکتیک‌های تعارضی، نشانه‌های مرزی، سبک‌های پاسخ‌نشخواری و سرکوب مورد آزمون قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل ساختاری پژوهش به صورت متفاوتی با داده‌های دو گروه مردان و زنان برازش دارد. در این پژوهش رابطه‌ی بین شخصیت مرزی و نشخوار فکری و همچنین رابطه‌ی بین شخصیت مرزی و خشونت خانگی در زنان قوی‌تر از مردان بود. به نظر می‌رسد صفت روان‌ازرده‌گرایی ممکن است، موجب درگیری بیشتر در انواع خشونت از جمله خشونت خانگی در زنان با شخصیت مرزی شود.

واژه‌های کلیدی: تفاوت‌های جنسیتی، خشونت خانگی، شخصیت مرزی

مقدمه

خشونت خانگی^۴، استفاده از رفتار تهدیدآمیز، خشونت و بدرفتاری نسبت به فرد بالغی از خویشاوندان و یا شریک جنسی فعلی یا سابق تعریف شده است (تریویلیون، هوگس، فیدر، بورس‌مان و همکاران، ۲۰۱۴). بریدین، بلک و ریان (۲۰۰۸) نشان دادند که از هر ۴ زن، ۱ نفر و از هر ۷ مرد ۱ نفر شکلی از خشونت را متحمل شده‌است. شیوع خشونت خانگی در ایران به‌طور متوسط ۶۶ درصد برآورد شده است (حسن‌پور ازغدی، سیمبر و کرمانی، ۲۰۱۱). خشونت خانگی یکی از مشکلات اجتماعی شایع است که بر سلامت همه افراد از گروه‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و قومی مختلف تاثیرگذار

۱. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، کرج، ایران

۲. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرج، کرج، ایران (نویسنده ی مسوول) ahmadkarbalaee@gmail.com

4. domestic violence

۳. دپارتمان روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی آستارا، آستارا، ایران

بوده (فلین و گراهام، ۲۰۱۰) و به نوعی نقض حقوق بشر است و به دلیل پیامدهای نامطلوبش، باید پیشگیری و از طریق سیاست‌های اجتماعی، آموزشی و حقوقی به آن توجه شود. این نوع خشونت پنهان است و تاثیرات عمیقی بر سلامت جسمانی، روانی و بهزیستی مردان، زنان و کودکان بر جای می‌گذارد (استوارت، مک‌میلان و واتن، ۲۰۱۲). خشونت خانگی اثرات زیانباری بر سلامت جسمانی و روان‌شناختی و توانایی فرد قربانی برای زندگی سالم و موفق دارد و ممکن است این پیامدهای نامطلوب به خانواده ی این افراد، روابطشان و جامعه نیز تعمیم یابد (کریس، بریدینگ، براون و وارنر، ۲۰۱۱). قرار گرفتن طولانی مدت در معرض حوادث تهدیدکننده ی زندگی، از جمله خشونت خانگی، با شروع، تداوم و عود اختلال‌های روانی مرتبط است و مردان و زنان با اختلال‌های روان-پزشکی در معرض خطر بیشتری برای تجربه خشونت هستند (تریویلیون، اورام، فیدر و هووارد، ۲۰۱۲). روس (۲۰۱۱) نشان داد که عدم تعادل هیجانی در مردان و زنان با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی همبسته است. او نتیجه گرفت که ارتکاب خشونت نسبت به همسر، واکنشی برای کنترل هیجان‌ها در مردان با اختلال‌های شخصیت است. در پژوهش مانتا، کوهن، اسکولز و والدینگر (۲۰۱۳) صفات شخصیت مرزی در مردان با ارتکاب خشونت جسمانی نسبت به همسران‌شان همبسته بود. مانتا و همکاران (۲۰۱۳) نتیجه گرفتند که احتمالاً افراد با صفات شخصیت مرزی، نقص‌هایی در خودتنظیمی دارند که منجر به رفتارهای خشونت آمیز از جانب آنها می‌شود و بدین ترتیب، ممکن است رفتارهای خشونت آمیزی را از جانب همسران‌شان نیز فراخوانی کنند. بدتنظیمی هیجانی ناتوانی در مدیریت و مقابله موثر با هیجان‌ها است. بر پایه مدل زیستی-اجتماعی لینهان (۱۹۹۳)، افراد دچار اختلال شخصیت مرزی پیش‌آمدگی زیستی برای حساسیت هیجانی دارند که این حساسیت منجر به گرایش به تجربه ی عواطف منفی در همه ی زمینه‌ها و شرایط می‌شود؛ و یادگیری راهبردهای تنظیم هیجانی مناسب را برای آنها دشوار می‌سازد. نقص در راهبردهای مناسب تنظیم هیجان، ممکن است تمایل به درگیر شدن در رفتارهای ناکارآمد را برای مدیریت و کاهش عاطفه ی منفی افزایش دهد. افراد دچار اختلال شخصیت مرزی قادر به تحمل پریشانی در زندگی روزمره ی خود نیستند و برای مدیریت آشفتگی‌ها و عواطف منفی خود، به راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه نظیر نشخوار فکر^۱، سرکوب فکر^۲، اجتناب^۳ و رفتارهای تکانشی^۴ مانند پرخاشگری و خشونت متوسل می‌شوند (کارپنتر و ترول، ۲۰۱۳). تبیین چگونگی بروز این رفتارهای ناکارآمد در مدل آبشار هیجانی^۵ (سلبی، انستیس و جویز،

1.rumination 2.thought suppression 3. avoidance 4. impulsive 5.emotional cascade model

۲۰۰۸؛ سلبی و جویئر، ۲۰۰۹) ارایه شده است که بر پایه مدل زیستی-اجتماعی لینهان (۱۹۹۳) قرار دارد. در مدل آبشار هیجانی، عاطفه ی منفی در افراد دچار اختلال شخصیت مرزی، آغازگر نشخوار فکری و این خود منجر به تشدید عاطفه ی منفی و نشخوار فکری بیشتر می شود. این چرخه ی معیوب که آبشار هیجانی نام دارد، به تجربه ی ناخوشایندی از هیجان های منفی و نشخوار فکری و به دنبال آن رفتارهای آشفته ی شدیدی نظیر خودزنی، استفاده از مواد، روابط مختل، رفتار پرخاشگرانه، فضاوت منفی از خود و فشار روانی پس آسیمی منجر می شود. با این رفتارها توجه فرد از عاطفه ی منفی و افکار نشخواری منحرف می شود. به نظر می رسد در طی آبشار هیجانی، متغیرهایی نظیر فاجعه سازی، نگرانی سرکوب فکر و تحمل پایین پریشانی، با نشخوار فکری تعامل پیدا می کند و منجر به حفظ یا تشدید آبشار هیجانی می شود. با این حال تفاوت های جنسیتی موضوع مهمی است که در مدل آبشار هیجانی نادیده گرفته شده است. نولان، رابرتس و گاتلیب (۱۹۹۸) نتیجه گرفتند که سبک نشخوار فکری ممکن است یک عامل مهم تبیین کننده ی تفاوت های جنسیتی در افسردگی باشد. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال بود که آیا تفاوت ضرایب مسیر بین عامل های مدل ساختاری پژوهش (که در آن نشانه های شخصیت مرزی و راهبردهای تنظیم هیجانی نشخوار فکری و سرکوب فکر در قالب یک مدل، خشونت خانگی را پیش بینی می کند) در دو گروه مردان و زنان به لحاظ آماری معنادار است یا خیر؟

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج بود که از این جامعه با توجه به پیشنهاد گادانگولی و ولیسر (۱۹۹۸) در مورد پژوهش های مدل یابی و تحلیل مسیر، نمونه ای با حجم ۳۱۱ نفر دانشجوی متاهل (۱۵۴ مرد و ۱۵۷ زن) به شیوه ی نمونه گیری خوشه ای انتخاب و با مقیاس تجدیدنظر شده ی تاکتیک های تعارضی^۱، سیاهه ی نشانه های مرزی^۲، مقیاس پاسخ های نشخواری^۳ و مقیاس سرکوب خرس سفید^۴ مورد آزمون قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش شامل تاهل، حداقل زندگی مشترک به مدت دو سال و رضایت آزمودنی بود. بررسی ها با استفاده از روش تفکیک مهلنوبایس^۵ نشان داد که داده های

1. Revised Conflict Tactics Scale
2. Borderline Symptom List
3. Ruminative Response Scale

4. White Bear Suppression Inventory
5. mahalanobis distance

۵ آزمودنی از کل ۳۱۱ آزمودنی های پژوهش، داده های پرت هستند. بنابراین اطلاعات مربوط به آنها حذف و داده های مربوط به ۳۰۶ آزمودنی تحلیل شد.

مقیاس تجدیدنظرشده ی تاکتیک های تعارضی، توسط استراوس، همبلی، بانی-مک کوی و سوگارمن (۱۹۹۶) ساخته شد و یک ابزار خود گزارش دهی برای ارزیابی تعارض های زناشویی به صورت دوجانبه طی یک سال گذشته است که شامل ۷۸ سوال و پنج خرده مقیاس حمله ی جسمانی و حمله ی جسمانی همسر، اجبار جنسی و اجبار جنسی همسر، پرخاشگری روان شناختی و پرخاشگری روان شناختی همسر صدمه و صدمه ی همسر و مذاکره و مذاکره ی همسر است. استراوس و همکاران (۱۹۹۶) پایایی و اعتبار قابل قبولی برای این مقیاس گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای حمله ی جسمانی و حمله ی جسمانی همسر و پرخاشگری روان شناختی و پرخاشگری روان شناختی همسر به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۰ به دست آمد.

سیاهه ی نشانه های مرزی توسط بووس، لیمبرگر، فرنک، چاپمن و همکاران (۲۰۰۷) ساخته شده و شامل ۹۵ سوال و ۷ خرده مقیاس ادراک از خود، تنظیم هیجان، خودتخریب گری، تنهایی، تعدی و خصومت ۲۷ است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای ادراک از خود، تنظیم هیجان، خودتخریب گری، ملال، تنهایی، تعدی و خصومت به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۴، ۰/۹۴، ۰/۹۴، ۰/۹۵، ۰/۹۱ و ۰/۹۰ محاسبه شد.

مقیاس پاسخ های نشخواری شامل ۲۲ سوال است که توسط نولن-هوکسیما و مارو (۱۹۹۱) برای ارزیابی دامنه ای طراحی شد که افراد به طور معمول با تمرکز بر خود، نشانه ها و پیامدهای خلق بر احساسات ناراحتی، دلتنگی و افسردگی خود پاسخ می دهند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۳ محاسبه شد.

مقیاس سرکوب خرس سفید، شامل ۱۵ سوال است که توسط وگنر و زاناکاس (۱۹۹۴) برای ارزیابی تلاش آگاهانه برای پیشگیری یا حذف افکار خاص از ورود به خود آگاه طراحی شده است. وگنر و زاناکاس (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ را برای کل مقیاس گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ مقیاس برابر ۰/۸۷ به دست آمد.

برای تحلیل داده ها از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. مدل یابی معادلات ساختاری کامل از دو مولفه، مدل ساختاری و مدل اندازه گیری تشکیل شده است. بنابراین پیش از پرداختن به مدل ساختاری، مدل اندازه گیری پژوهش حاضر ارزیابی شد تا مشخص شود آیا متغیرهای مشاهده

شده از توان لازم برای اندازه گیری متغیرهای مکنون برخوردارست یا خیر. مدل اندازه گیری به وسیله تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار آموس هفت^۱ و برآورد بیشینه ی احتمال^۲ انجام شد.

یافته ها

مولفه های توصیفی نمرات در جدول ۱ ارایه شده است.

جدول ۱. مولفه های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	sd	متغیر	M	sd
شخصیت مرزی	۱۷/۷۲	۱۷/۶۵	خشونت زناشویی	۸/۸۷	۸/۷۳
ادراک از خود	۱۵/۶۳	۱۳/۲۲	خشونت روان شناختی	۷/۰۴	۷/۵۲
تنظیم هیجان	۹/۷۴	۱۱/۵۳	خشونت روان شناختی همسر	۴/۷۵	۶/۵۳
خودتخریب گری	۱۹/۴۱	۱۱/۸۰	خشونت جسمانی	۴/۹۶	۲/۴۹
ملال	۱۲/۳۸	۱۲/۱۷	خشونت جسمانی همسر	۱/۷۰	۳/۲۶
تنهایی	۷/۸۵	۹/۰۹	آسیب	۱/۰۸	۲/۵۷
تعدی	۶/۴۵	۶/۰۷	آسیب همسر		
خصوصیت			راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه		
			نشخوار فکری	۳۹/۰۸	۱۵/۱۱

با اصلاح مدل اولیه، شاخص هایی به دست آمد که نشان داد مدل اندازه گیری برازش قابل قبولی با داده ها دارد. بدین ترتیب می توان چنین نتیجه گیری نمود که متغیرهای مشاهده شده احتمالاً از توان لازم برای اندازه گیری متغیرهای مکنون برخوردارند. در ادامه تحلیل داده ها، به منظور آزمون تغییرناپذیری جنسیتی در ضرایب مسیر متغیرها در مدل از آزمون برازش دقیق کای اسکویر (χ^2) بین مدل های با ضرایب مسیر آزاد و تغییرناپذیر^۲ استفاده شد. در گام اول، مدل به طور جداگانه با داده های هر دو گروه مردان و زنان مورد بررسی قرار گرفت. سپس با این فرض که مسیرها تغییرناپذیرند^۲ (یعنی دو گروه برابرند)، مدل محدود شد. اگر روابط بین شخصیت مرزی، نشخوار فکری، سرکوب فکر و خشونت خانگی در بین دو گروه یکسان باشد، مدل دو گروهی محدود شده تغییرناپذیر، پارامترهای برازندگی مشابه با مدل برآورد شده آزاد به دست خواهد آورد. براساس جدول ۲ شاخص های برازندگی مدل به صورت جداگانه برای هر دو جنس محاسبه شد که نشان از برازش مطلوب مدل با داده های هر دو گروه دارد.

1. Analysis of Moment Structures (AMOS)
3. free and invariant path coefficients

2. Maximum Likelihood
4. invariant

جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری در دو جنس

CFI	AGFI	GFI	RMSEA	χ^2/df	χ^2	شاخص‌های برازندگی
۰/۹۸۴	۰/۹۱۹	۰/۸۹۵	۰/۰۷۷	۲/۲۶	۱۸۳/۶۶	مردان
۰/۹۸۸	۰/۹۲۱	۰/۹۰۳	۰/۰۷۱	۲/۰۵	۱۶۶/۵۹	زنان

جدول ۳، شاخص‌های به‌دست آمده از تحلیل بین گروهی را نشان می‌دهد. در گام اول تمام مسیرهای مدل در بین دو گروه برابر قرار داده شد (مدل تغییر ناپذیر)، سپس تفاوت χ^2 آن و مدل آزاد تحلیل شد که نشان داد مدل آزاد بهتر از مدل تغییرناپذیر با داده‌ها برازش دارد ($P < ۰/۰۱$) ($\Delta\chi^2(۵) = ۴۰/۳۲$). این یافته بیانگر آن است که روابط بین متغیرهای مکنون در مدل ساختاری در دو گروه مردان و زنان یکسان نیست. در گام‌های بعد تفاوت دو گروه در مسیرها بررسی شد. به همین منظور هر کدام از ضرایب مسیر مدل ساختاری به نوبت در دو گروه برابر (تغییرناپذیر) قرار داده شده و مسیرهای دیگر به صورت آزاد برآورد شد. تفاوت معنادار χ^2 بین دو مدل آزاد و محدود شده، زمانی مشاهده شد که مسیرهای شخصیت مرزی و نشخوار فکری (گام دوم) و شخصیت مرزی و خشونت (گام پنجم) برابر (تغییر ناپذیر) فرض شد.

جدول ۳. تحلیل معناداری تفاوت برازش مدل در گروه مردان و زنان

$\Delta\chi^2(\Delta df)$	RMSEA	CFI	df	χ^2	نوع تحلیل
	۰/۰۶۸	۰/۹۶۵	۱۶۲	۳۹۰/۲۶	مدل آزاد یا بدون محدودیت
	۰/۰۷۲	۰/۹۵۹	۱۶۷	۴۳۰/۵۸	گام اول: ضرایب مسیر تغییر ناپذیر
۴۰/۳۲** (۵)					تفاوت بین گام اول و برازش مدل آزاد
	۰/۰۶۸	۰/۹۶۴	۱۶۳	۳۹۵/۰۷	گام دوم: تغییر ناپذیری مسیر بین شخصیت مرزی - نشخوار فکری
۴/۸۲° (۱)					تفاوت بین گام دوم و برازش مدل آزاد
	۰/۰۶۸	۰/۹۶۵	۱۶۳	۳۹۱/۶۰	گام سوم: تغییر ناپذیری مسیر شخصیت مرزی و سرکوب فکر
۱/۳۴ (۱)					تفاوت بین گام سوم و برازش مدل آزاد
	۰/۰۶۸	۰/۹۶۵	۱۶۳	۳۹۱/۵۵	گام چهارم: تغییر ناپذیری مسیر بین نشخوار فکری - خشونت
۱/۳۰ (۱)					تفاوت بین گام چهارم و برازش مدل آزاد
	۰/۰۶۹	۰/۹۶۴	۱۶۳	۳۹۶/۴۱	گام پنجم: تغییر ناپذیری مسیر بین شخصیت مرزی - خشونت
۶/۱۵° (۱)					تفاوت بین گام پنجم و برازش مدل آزاد
	۰/۰۶۸	۰/۹۶۵	۱۶۳	۳۹۱/۹۱	گام ششم: تغییر ناپذیری مسیر بین سرکوب فکر - خشونت
۱/۶۵ (۱)					تفاوت بین گام ششم و برازش مدل آزاد

جدول ۳ نشان می‌دهد، شاخص‌های برازندگی مدل آزاد در مقایسه با مدلی که تمام مسیرها در آن تغییر

فرض شده در سطح ۰/۰۱ معنادار است، این موضوع بیانگر آن است که حداقل تفاوت یکی از ضرایب مسیر در مدل ساختاری به لحاظ آماری در بین مردان و زنان معنادار است. همچنان که ملاحظه می‌شود زمانی که ضریب مسیر بین شخصیت مرزی و نشخوار فکری در دو گروه برابر (تغییر ناپذیر) فرض شد و شاخص‌های برازندگی آن با مدل آزاد مقایسه شد، ملاحظه شد که مدل آزاد در مقایسه با مدل تغییر ناپذیر برازش بهتری با داده‌ها دارد و بر این اساس چنین نتیجه‌گیری شد که احتمالاً ضریب مسیر بین دو متغیر شخصیت مرزی و نشخوار فکری در دو گروه مردان و زنان به صورت معناداری متفاوت است. در گام پنجم نیز زمانی که مسیر بین شخصیت مرزی و خشونت خانگی تغییر ناپذیر فرض شد و با مدل آزاد (یا مدلی که در آن تمام ضرایب مسیر در مدل ساختاری بین دو گروه مردان و زنان آزاد فرض نموده) و شاخص‌های برازندگی دو مدل بررسی شد، ملاحظه شد که دو مدل به صورت معناداری (در سطح معناداری ۰/۰۵) با یکدیگر متفاوت بوده و مدل آزاد از شاخص‌های برازندگی بهتری برخوردار است. بنابراین چنین نتیجه‌گیری شد که ضریب مسیر بین شخصیت مرزی و خشونت خانگی در دو گروه مردان و زنان به صورت معناداری متفاوت است.

ضرایب مسیر غیراستاندارد را برای دو گروه مردان و زنان و معناداری تفاوت ضرایب مسیر در دو گروه مردان و زنان نشان داد که ضرایب مسیر بین شخصیت مرزی و نشخوار فکری در زنان به صورت معناداری (در سطح ۰/۰۵) قوی‌تر از مردان است. همچنین براساس نتایج جدول فوق ضریب مسیر غیراستاندارد بین شخصیت مرزی و خشونت خانگی نیز در زنان به صورت معناداری (در سطح ۰/۰۱) قوی‌تر از مردان است. دیگر ضرایب مسیر در مدل ساختاری در دو گروه مردان و زنان تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مدل ساختاری پژوهش به صورت متفاوتی با داده‌های گردآوری شده دو گروه مردان و زنان برازش دارد. یکی از نتایج بسیار مهم پژوهش حاضر آن است که رابطه‌ی بین نشانه‌های شخصیت مرزی و نشخوار فکری در زنان قوی‌تر از مردان بود؛ به عبارتی دیگر، نشانه‌های شخصیت مرزی در گروه زنان قوی‌تر از گروه مردان نشخوار فکری را پیش‌بینی می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که در پژوهش‌های متعدد با نمونه‌های بالینی و غیر بالینی به رابطه‌ی بین صفت روان‌آزرده‌گرایی و نشخواری فکری اشاره شده است (بگی و پارکر، ۲۰۰۱؛ موریس، رولوفس، راسین، فرنکن و همکاران، ۲۰۰۵؛ رولوفس، هیوبرس، پیترس، ارتنز و همکاران، ۲۰۰۸). در پژوهش

بنزهاف، ریتر، مرکل، اسکولت-هربروگن و همکاران (۲۰۱۲) نیز زنان با اختلال شخصیت مرزی در صفت روان آزرده گرایی و جنبه های مختلف آن از جمله اضطراب، آسیب پذیری و افسردگی نمره-های بیشتری را نسبت به مردان با اختلال شخصیت مرزی کسب کردند. همسو با این پژوهش ها، نولان و همکاران (۱۹۹۸) نتیجه گرفتند نشخوار فکری با صفت روان آزرده گرایی مرتبط است و سطوح هر دو نشخوار فکری و روان آزرده گرایی در زنان به طور کلی بالاتر از مردان است.

این پژوهش نشان داد که نشانه های شخصیت مرزی در گروه زنان قوی تر از گروه مردان خشونت خانگی را پیش بینی می کند. برخلاف یافته های این پژوهش، مانتا و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که صفات شخصیت مرزی در مردان با ارتکاب خشونت جسمانی نسبت به همسران شان همبسته بود در حالی که زنان با صفات شخصیت مرزی متحمل خشونت جسمانی بیشتری از جانب همسران خود بودند. هینس (۲۰۰۸) نشان داد که شخصیت مرزی پیش بینی کننده ی اشکال مختلفی از خشونت خانگی برای مردان و زنان است. با این حال، در پژوهش هینس (۲۰۰۸) جنسیت، تعدیل کننده ی رابطه ی بین خشونت خانگی و شخصیت مرزی نبود. بی ثباتی عاطفی یکی از ویژگی های اصلی اختلال شخصیت مرزی و تمایل به تجربه ی عاطفه منفی، جز اصلی صفت روان آزرده گرایی است. صفت روان آزرده گرایی که با تمایل به تجربه هیجان های منفی مانند افسردگی، خشم و اضطراب همراه است، پیش آمادگی این افراد را برای تجربه ی عواطف منفی توجیه می کند (هوپوود و همکاران، ۲۰۱۰). به نظر می رسد خشمی که اساس و پایه پرخاشگری را تشکیل می دهد رابطه ی مثبتی با صفت روان آزرده گرایی مرتبط داشته باشد، این نوع از پرخاشگری به پرخاشگری واکنشی و تکانش گرانه شباهت دارد. به این ترتیب، احتمالاً صفت روان آزرده گرایی با رفتارهای پرخاشگرانه تکانشی که تنها تحت تحریک رخ می دهند، مرتبط است (بتن کورت، تالی، بنجامین و والتین، ۲۰۰۶). سیلوا، ویرارول، جرز، بوستامانت و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که اختلال شخصیت مرزی اختلالی است که با تکانش گری و بدتنظیمی هیجانی و رفتاری مشخص می شود. خشم نامناسب مشکل اصلی این بیماران است که نسبت به خود و یا دیگران ابراز می شود. پرخاشگری تکانش گرانه با اختلال در سیستم سروتونرژیک مرتبط است. روان آزرده گرایی نیز یک صفت شخصیتی پایدار در اختلال شخصیت مرزی است که به اختلال در سیستم سروتونرژیک مربوط است. روان آزرده گرایی و تکانش گری در زنان با اختلال شخصیت مرزی بیشتر از مردان یافت می شود (کوربیت و ویدیجر، ۱۹۹۵؛ بنزهاف و همکاران، ۲۰۱۲). احتمالاً صفت روان آزرده گرایی عاملی است که موجب می شود

زنان با اختلال شخصیت مرزی بیشتر درگیر انواع خشونت از جمله خشونت نسبت به همسران خود شوند.

References

- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (5th ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Association.
- Bagby, R. M., & Parker, D. A. (2001). Relation of rumination and distraction with neuroticism and extraversion in a sample of patients with major depression. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 91-102.
- Banzhaf, A., Ritter, K., Merkl, A., Schulte-Herbrüggen, O., Lammers, C. H., & Roepke, S. (2012). Gender differences in a clinical sample of patients with borderline personality disorder. *Journal of Personality Disorders*, 26, 368-80.
- Bettencourt, B. A., Talley, A., Benjamin, A. J., & Valentine, J. (2006). Personality and aggressive behavior under provoking and neutral conditions: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 132, 751-777.
- Bohus, M., Limberger, M. F., Frank, U., Chapman, A. L., Kühler, T., & Stieglitz, R. D. (2007). Psychometric properties of the borderline symptom list. *Psychopathology*, 40, 126-132.
- Breiding, M. J., Black, M. C., & Ryan, G. W. (2008). Prevalence and risk factors of intimate partner violence in eighteen U.S. states/territories, 2005. *American Journal of Preventive Medicine*, 34, 112-118.
- Carpenter, R. W., & Trull, T. J. (2013). Components of emotion dysregulation in borderline personality disorder: A review. *Current Psychiatry Reports*, 15, 335.
- Corbitt, E. M., & Widiger, T. A. (1995). Sex differences among the personality disorders: An explosion in the data. *Clinical Psychology Science and Practice*, 2, 225-238.
- Costa, P. T., Terracciano, A., & McCrae, R. R. (2001). Gender differences in personality traits across cultures: robust and surprising findings. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 322-31.
- Distel, M. A., Roeling, M. P., Tielbeek, J. J., van Toor, D., Derom, C. A., Trull, T. J., & Boomsma, D. I. (2012). The Covariation of Trait Anger and Borderline Personality: A Bivariate Twin-Siblings Study. *Journal of Abnormal Psychology*, 121, 458-66.
- Flynn, A., & Graham K. (2010). "Why did it happen?" A review & conceptual framework for research on perpetrators' & victims' explanations for intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior*, 15, 239-251.
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1998). Relation to sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103, 265-275.
- Hasanpoor Azghadi, B., Simbar, M., & Kermani, M. (2011). Domestic violence against women: A review on theories, prevalence and factors affecting it. *Journal of Mashhad School of Nursing and Midwifery*, 21, 44-52. (Persian).
- Hines, D. A. (2008). Borderline Personality Traits & Intimate Partner Aggression: An International Multisite, Cross-Gender Analysis. *Psychology of Women Quarterly*, 32, 290-302.
- Hopwood, C. J., Donnellan, M. B., & Zanarini, M. C. (2010). Temperamental and acute symptoms of borderline personality disorder: associations with normal personality traits and dynamic relations over time. *Psychological Medicine*, 40, 1871-8.
- Kendler, K. S., Myers, J., & Reichborn-Kjennerud, T. (2011). Borderline personality disorder traits and their relationship with dimensions of normative personality: a web-based cohort and twin study. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 123, 349-59.
- Krebs, C., Breiding, M. J., Browne, A., & Warner, T. (2011). The association between different types of intimate partner violence experienced by women. *Journal of Family Violence*, 26, 487-500.
- Lehmann, R., Denissen, J. J., Allemand, M., & Penke, L. (2013). Age and gender differences in motivational manifestations of the Big Five from age 16 to 60. *Developmental psychology*, 49, 365-83.
- Lippa, R. A. (2010). Sex differences in personality traits and gender-related occupational preferences across 53 nations: testing evolutionary and social-environmental theories. *Archives of Sexual Behavior*, 39, 619-36.
- Lonnqvist, J. E., Verkasalo, M., Wichardt, P. C., & Walkowitz, G. (2012). Personality disorder categories as combinations of dimensions: translating cooperative behavior in borderline personality disorder into the five-factor framework. *Journal of Personality Disorders*, 26, 298-304.
- Maneta, E. K., Cohen, S., Schulz, S., & Waldinger, R. J. (2013). Two to tango: A dyadic analysis of links between borderline personality traits & intimate partner violence. *Journal of Personality Disorders*, 27, 233-43.

- Morey, L. C., & Zanarini, M. C. (2000). Borderline personality: traits and disorder. *Journal of Abnormal Psychology, 109*, 733-7.
- Muris, P., Roelofs, J., Rassin, E., Franken, I., & Mayer, B. (2005). Mediating effects of rumination and worry on the links between neuroticism, anxiety and depression. *Personality and Individual Differences, 39*, 1105-1111.
- Nolan, S. A., Roberts, J. E., & Gotlib, I. H. (1998). Neuroticism and ruminative response style as predictors of change in depressive symptomatology. *Cognitive Therapy and Research, 22*, 445-455.
- Nolen-Hoeksema, S., & Morrow, J. (1991). A prospective study of depression & posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: The 1989 Loma Prieta earthquake. *Journal of Personality & Social Psychology, 61*, 115-121.
- Nolen-Hoeksema, S. (2012). Emotion regulation and psychopathology: the role of gender. *Annual Review of Clinical Psychology, 8*, 161-87.
- Roberts, J. E., Gilboa, E., & Gotlib, I. H. (1998). Ruminative response style and vulnerability to episodes of dysphoria: Gender, neuroticism, and episode duration. *Cognitive Therapy and Research, 22*, 401-423.
- Roelofs, J., Huibers, M., Peeters, F., Arntz, A., & van Os, J. (2008). Rumination and worrying as possible mediators in the relation between neuroticism and symptoms of depression and anxiety in clinically depressed individuals. *Behaviour Research and Therapy, 46*, 1283-9.
- Ross, J. M. (2011). Personality and situational correlates of self-reported reasons for intimate partner violence among women versus men referred for batterers' intervention. *Behavioral Sciences & the Law, 29*, 711-727.
- Schmitt, D. P., Realo, A., Voracek, M., & Allik, J. (2008). Why can't a man be more like a woman? Sex differences in Big Five personality traits across 55 cultures. *Journal of Personality and Social Psychology, 94*, 168-82.
- Selby, E. A., & Joiner, T. E. (2009). Cascades of emotion: The emergence of borderline personality disorder from emotional & behavioral dysregulation. *Review of General Psychology, 13*, 219.
- Selby, E. A., Anestis, M. D., & Joiner, T. E. (2008). Understanding the relationship between emotional & behavioral dysregulation: Emotional cascades. *Behaviour Research & Therapy, 46*, 593-611.
- Silva, H., Villarroel, J., Jerez, S., Bustamante, M., Montes, C., & Igor, M. (2012). Neuroticism as a predictor of impulsive aggression response to fluoxetine in borderline personality disorder. *European Psychiatry, 27*, 1.
- Skodol, A. E., & Bender, D. S. (2003). Why are women diagnosed borderline more than men?. *Psychiatric Quarterly, 74*, 349-360.
- Stewart, D. E., MacMillan, H., & Wathen, N. (2012). Intimate partner violence. *The Canadian Journal of Psychiatry, 58*, 1-15.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Boney-McCoy, S., & Sugarman, D. B. (1996). The revised conflict tactics scales: Development & preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues, 17*, 283-316.
- Trevillion, K., Hughes, B., Feder, G., Borschmann, R., Oram, S., & Howard, L. M. (2014). Disclosure of domestic violence in mental health settings: a qualitative meta-synthesis. *International review of psychiatry, 26*, 430-444.
- Trivillion, K., oram, S., Feder, G., & Howard, M. H. (2012). Experiences of domestic violence & mental disorders: A systematic review & meta-analysis. *PLoS One, 7*.
- Wegner, D. M., & Zanakos, S. (1994). Chronic thought suppression. *Journal of Personality, 62*, 615-640.
- Weisberg, Y. J., Deyoung, C. G., & Hirsh, J. B. (2011). Gender Differences in Personality across the Ten Aspects of the Big Five. *Frontiers in Psychology, 2*, 1-11.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 9 (No. 34), pp.7-16, 2014

Gender differences in the structural model of borderline personality, emotional regulation strategies and domestic violence

Aftab, Roya

Islamic Azad University of Karja, Karaj, Iran

Karbalaie, Ahmad

Islamic Azad University of Karja, Karaj, Iran

Meigooni, Mohammad

Islamic Azad University of Karja, Karaj, Iran

Taghiloo, Sadegh

Islamic Azad University of Astara, Astara, Iran

Received: Nov 21, 2013

Accepted: March 08, 2013

In an emotional waterfall model, in order to avoid maladaptive emotional regulation strategies to externalization, people with borderline personality venture out on externalization of violence towards their spouse. Yet gender differences in this model is ignored. The purpose of this study was to determine gender differences in the structural model in which borderline personality and emotional regulation strategies, thought rumination and suppression of thought is predicted in a form of domestic violence model. For this purpose, in a descriptive study, correlational type 311 married students were selected. They were tested in terms of conflict tactics, borderline signs, ruminative response styles and repression. Findings indicated that the study structural model fit with data of both groups of men and women in a different way. In this study, the relationship between borderline personality and rumination, as well as the relationship between borderline personality and domestic violence were stronger in women than men. It seems Neuroticism trait may be a factor causing women with borderline personality get more involved with different forms of violence, including domestic violence.

Keywords: gender differences, domestic violence, borderline personality

Electronic mail may be sent to: ahmadkarbalaee@gmail.com